



## فلسفه ی مجازات های محاربه از حیث ترهیبی یا ترذیلی بودن

\* ارجمندیان، سیده بهاره

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

Bahararjmand72@gmail.com

حسینی یاسندی، سید صدرالدین

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

Hoseinisadroddin@gmail.com

### چکیده

یکی از مسائل مهم در نظام کیفری، فلسفه ی مجازات ها می باشد، که در آن از چرایی بحث به میان می آید، که البته از آن می توان به اهداف مجازات نیز تعبیر نمود. برای مجازات ها اهداف متعددی بیان گشته است که به عنوان مثال می توان از عبرت آموزی، بازدارندگی عمومی، تحقق عدالت، ترهیب، ترذیل و امثالهم نام برد، که این موارد از مباحث جدی در میان متخصصان حقوق کیفری، جرم شناسان و فلاسفه می باشد. تردید نمی توان نمود، که تأسیس نظام کیفری کارآمد و عدالت گستر بدون توجه به سیاست کیفری روشن، که عدالت کیفری را در بطن خود داشته باشد، میسر نیست و قطعاً ترسیم سیاست کیفری بدون نگاه عمیق به اهداف مجازات ها موفقیت آمیز نخواهد بود. در این مقاله تلاش بر این است تا در حد بضاعت، مجازات های اربعه ی محاربه را از حیث ترهیبی یا ترذیلی بودن، مورد تبیین قرار دهیم و هدف اصلی شارع مقدس، از وضع این مجازات ها را بررسی نماییم.

واژگان کلیدی: حقوق کیفری، مجازات، محاربه، ترهیب، ترذیل

## ۱- مقدمه

یکی از مهمترین نهاد های حقوقی در هر جامعه ای، نظام جزایی آن می باشد که قوانین و مقررات کیفری را در خود جای داده است. هر جامعه ای برای افراد خود از بدو پیدایش، حقوق و امتیازاتی را پیش بینی نموده و همگان را ملزم به رعایت آن نموده است. حق حیات، حق آزادی، حق برخورداری از آسایش و امنیت، حق مالکیت و امثالهم از جمله این امتیازات می باشد که کسی نمی تواند این حقوق را نادیده بگیرد یا به آن خدشه ای وارد سازد، لکن همیشه اینگونه نیست که افراد حقوق یکدیگر را محترم بشمارند و معترض به امتیازات یکدیگر نشوند. حال اگر عده ای به حقوق و امتیازات دیگران تجاوز نمایند و به حقوق خویش قناعت نکنند و با این اعمال، نظم و تعادل جامعه را مختل نمایند، جامعه ناگزیر است تا عکس العمل نشان دهد و چنین متجاوزانی را کیفر دهد. بنابراین مجازات یکی از عوامل حفظ نظم در جامعه می باشد که البته این حفظ امنیت در مجازات های جرایم مختلف ممکن است دارای اهداف دیگری نیز باشد تا با تمسک به آن اهداف، دستیابی به امنیت و عدالت و حفظ نظم با سهولت بیشتری همراه باشد. در این پژوهش نیز مجازات های محاربه که از حدود الهی است، به تفکیک مورد بحث و واکاوی قرار گرفته است. به همین منظور در بخش اول این پژوهش به تعریف مقوله ی مجازات و سپس به تعاریف مجازات های تریبی و تردیلی که موضوع بحث این پژوهش می باشد پرداخته شده و در بخش دوم نیز مجازات های محاربه به طور خاص و جداگانه بیان گشته است.

## ۲- مفهوم و فلسفه ی مجازات

مجازات در لغت به معنای پاداش دادن و جزا دادن در نیکی و بدی و مکافات آمده است. (دهخدا، ۱۳۳۸). حقوقدانان نیز مشقتی که مقنن به مجرم تحمیل می نماید را مجازات یا کیفر نامیده اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳). از نظر فلاسفه مجازات مشقتی است که هیئت جامعه به منظور تلافی و قصاص جامعه و اصلاح و تصفیه اخلاقی مجرم و مصونیت جامعه از اضرار وضع می کند. (سمیعی، ۱۳۲۵). از سوی دیگر آن چیزی که در شریعت اسلام در خصوص فلسفه ی مجازات بیان گشته است، مجازات در مکتب اسلام را همچون سایر ادیان الهی موجب تهذیب نفس و تربیت افراد و گاهی نیز موجب استخفاف بیان می کنند. در واقع مجازات را می توان قرین رنج و درد توصیف کرد. همچنین عده ای آن را واکنش اجتماعی علیه مجرم و بازدارنده

می داند، که تضمین کننده ی اجرای عدالت می باشد. مجازات در واقع همان تنبیه کیفری است، که بر مرتکب جرم تحمیل می شود و همراه با رنج می باشد. می توان این گونه بیان داشت که جرم و مجازات مرتبط با یکدیگر هستند و هر عمل مجرمانه ای مشمول مجازات می شود. ریشه مجازات و اجرای آن به دوران بسیار کهن می رسد، که همیشه به انحاء گوناگون، انسان ها مورد مجازات عده ای دیگر با نیت های مختلف قرار می گرفتند. به عنوان مثال برخی معتقدند مجازات بستگی به جرم دارد و آخرین مرحله ی مقابله با جرم می باشد و به نوعی ضمانت اجرای ارتکاب جرم می باشد. (علی پاشا، ۱۳۴۸). در خصوص فلسفه ی مجازات باید بیان نمود که احکام اسلامی مبتنی بر مصالح و مفاسد است و اگر خداوند به چیزی امر نموده، یقیناً در آن مصلحتی نهفته می باشد که شارع مقدس از روی رحمت و وسع ی خویش، نمی خواهد که بندگان از آن محروم گردند و همچنین اگر از چیزی نهی می کند نیز بدین سبب است که در انجام آن مفسده ای دامن گیر شخص می گردد که شارع با نهی خویش، مکلفین را متوجه نموده تا از آن پرهیز نمایند، زیرا شارع مقدس خود بی نیاز است و در تشریح احکام الهی، نفع بندگان، تعالی و سعادت فردی و اجتماعی آن ها را مدنظر قرار داده است. بنابراین در اسلام مجازات بر اساس مصالحی تشریح گردیده است. (ابوالحسنی، ۱۳۸۰). با این اهداف حقوقدانان برای مجازات ها خصوصیات و ویژگی هایی برشمرده اند که ضمن تشریح اساس مجازات و غرض از آن، بتواند موجب تفکیک مجازات ها از اقدامات تأمینی و تربیتی شود. که در این پژوهش به خصوصیات تهریبی یا رنج آور بودن و تردیلی یا رسوا کننده بودن مجازات ها می پردازیم.

## ۲-۱- تهریبی یا رعب آور

تهربیب از نظر لغوی مصدر باب تفعیل از ریشه رَهَبَ و به معنای ترسانیدن دیگری میباشد. (عمید، ۱۳۶۳). شاید بتوان گفت که این خصوصیت اولین و قدیمی ترین خصیصه ای است که بشر برای مجازات شناخته است. کیفرها، شکنجه ها و عذاب های شدیدی که از روزگاران پیشین تا به امروز درباره مجرمین اجرا شده است. نشأت گرفته از این خصوصیت می باشد. امروزه نیز عده زیادی از حقوقدانان بر این عقیده استوارند که مجرم از نظر امنیتی مسئول و مقصر است. (صانعی، ۱۳۵۴). بنابراین می بایست با تحمل رنج و سختی مکافات عمل خود را باز دهد تا به این وسیله هم حس انتقام جویی مردم جامعه تسکین یابد و هم تحمل رنج شدید کیفر وجود مجرمین را پاک کرده و موجبات اصلاح اخلاقی و بازگشت آنان به اجتماع را فراهم آورد. سزار بکاریا اظهار میدارد: «برای آن که کیفر تأثیر مطلوب داشته باشد کافی است که رنج حاصل از آن بیش از سودی باشد که از جرم عاید میشود و برای این رنج بیشتر باید اثر قطعی کیفر و ناکامی از تحصیل سود حاصل از جرم در نظر گرفته شود.»

(بکار، ۱۳۶۷). چنین طرز تفکری در طول تاریخ حقوق کیفری باعث وضع کیفرهای بسیار سنگین برای مجرمین شده است با چنین تصویری که هر چه شدت کیفرها بیشتر باشد، قدرت بازدارندگی آنها بیشتر میشود و علت تشدید مجازات مرتکبین تکرار جرم نیز ناشی از این اندیشه کیفری می باشد. هرچند امروزه پوچی این رسالت مجازات ها آشکار شده است و در شرع مقدس تأکید بر پرهیز از یکی از قواعد مسلم فقه «شبهه» مجازات گزایی است، تا آنجا که سقوط کیفر با وجود جزایی است. (حسینی وردجانی، ۱۳۸۳).

#### ۲-۲- ترذیلی یا رسوا کننده

اصطلاح کیفر های ترذیلی در دو معنا به کار برده می شود؛ گاه در مقابل کیفرهای تریهیی استعمال میشود که در این معنا ناظر به مجازات هایی است که توأم با رسوایی و ننگ و فضاحت مجرم هستند. چنانکه کیفرهای تریهیی، کیفرهایی است که توأم با شکنجه و رنج و محرومیت از آزادی یا حیات وی می باشند. بر اساس این تعریف همه مجازات های تریهیی، ترذیلی هم هستند، ولی همه مجازاتهای ترذیلی، تریهیی نیستند، لذا مجازات ها به طور کلی به دو دسته تقسیم می شوند: مجازاتهای تریهیی- ترذیلی، مجازات های ترذیلی. مجازات های حدی که محاربه نیز یکی از این حدود است و موضوع اصلی این پژوهش نیز می باشد، تریهیی- ترذیلی است. در واقع وصف ترذیلی جزء لاینفک کیفر می باشد و هیچ کیفری را نمی توان یافت که فاقد ویژگی ترذیلی باشد. این خصوصیت، ویژگی بارز و آشکار متمایز کننده مجازات از اقدامات تأمینی و تربیتی می باشد. حقوقدانان معتقدند که رسواکردن مجرم امری ضروری است تا بدین وسیله کسانی که از آبرو و شخصیت اجتماعی برخوردار بوده و جایگاه ویژه ای در جامعه دارند با ارتکاب جرم شرافت تحصیل شده خود را به باد دهند. ترذیلی بودن مجازات برای اجتناب از تبهکاری و آلودگی جامعه و به منظور آسیب رساندن به حیثیت و آبروی اجتماعی بزهکار، امری ضروری و اجتناب ناپذیر می باشد تا دیگران با اطلاع از ماجرای سهمناک مجرمانه و رسوایی مجرم در ارتکاب جرم، تردید بیشتری به خود راه داده و از بزهکاری منصرف شوند. ژرمی بنتام به این خصیصه توجه کامل داشت و برای محکومین به حبس دو نوع زندان را پیشنهاد کرده بود. حبس دائم که برای مجرمین خطرناک است و باید زندان در مرکز شهر با دیوارهای بلند و سیاه باشد و حبس موقت، که زندانیان بتوانند از همه طرف اطراف زندان را رویت کنند و ملاقات عمومی نیز آزاد است. (ژان پرادل، ۱۳۷۳). شارع مقدس نیز با چنین رویکردی به وضع برخی قوانین جزایی پرداخته که آن را در مجازات جرایمی چون محاربه یا اجرای برخی حدود می توان ملاحظه کرد که در برخی مواقع خصوصیت رسواکنندگی مجازات مورد نظر بوده است.

### ۳- محاربه

محاربه مصدر باب مفاعله می باشد، که ثلاثی مجرد آن «حرب» است. محارب به معنای جنگجو می باشد و حرب نیز به معنای مطلق ناسازگاری و مبارزه است، نه به معنای درگیری نظامی و می توان گفت جنگ و درگیری در واقع مصداقی از آن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴). لغت محاربه در اصل به معنی گرفتن و سلب می باشد. «اطلاق کلمه ی حرب بر کسی که برای جنگیدن یا ترسانیدن دیگران، سلاح کشیده باشد، به اعتبار این است که از او می خواهد، جان، مال، قدرت و یا ملک او را بگیرد.» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۶). محاربه در اصطلاح یکی از اقسام جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی بوده و به معنای ایجاد اختلال در امنیت عمومی می باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲). در آیه ی ۳۳ سوره ی مبارکه ی مائده، خداوند متعال، جرم محاربه را در کنار افساد فی الارض بیان و مجازات های آن را چهار مجازات اعدام، صلب، قطع دست راست و پای چپ و نفی بلد تعیین کرده است که به تفکیک به بیان هر یک از این مجازات ها خواهیم پرداخت.

۵

### ۳-۱- اعدام

اعدام از ریشه عدم می باشد و در لغت به معنای از بین بردن و نیستی است. (عمید، ۱۳۷۹). کیفر اعدام، یکی از موارد پیش بینی شده در قانون برخی کشورها می باشد، که در آن به حکم قانون و بر اساس حکم دادگاه عمومی، جنایی، نظامی و امثالهم، حیات یک انسان سلب می گردد و به نوعی می توان بیان کرد، که اشد مجازات برای محکوم، اعدام می باشد. بر خلاف مجازات قصاص، مجازات اعدام آمره است و قابل گذشت و تراضی نمی باشد. با توجه به تعریف فقها از حد، اعدام حدی را می توان چنین تعریف نمود: «مجازات مرگی می باشد، که از طرف شارع مقدس معین گشته است و نمی شود آن را به کمتر از مرگ تقلیل داد.» (موسوی خمینی، ۱۳۹۰).

### ۳-۲- صلب

صلب در لغت به معنای محکم و قوی می باشد (دهخدا، ۱۳۷۷) و به همین دلیل است که به پشت انسان و حیوان نیز صلب می گویند. همچنین صلب به معنای آویختن انسان برای کشتن و به پشت بستن او نیز می باشد. (عمید، ۱۳۷۹). از سوی دیگر مراد از این واژه، به دار آویختن همراه با مشقت، سختی و ذلت، به منظور عبرت آموزی دیگران می باشد. صلب در دوران روم

باستان، نسبت به اشخاصی که امنیت سیاسی و مذهبی امپراطوری روم را از بین می بردند، اجرا می شد. حضرت عیسی مسیح علیه السلام نیز، به باور مسیحیان، از جمله اشخاصی می باشد که مجازات صلب در مورد ایشان اجرا گشته است. در قرآن کریم نیز، هشت مرتبه واژه ی صلب تکرار شده است که در واقع می توان این مجازات را، از جمله مجازات های امضایی در اسلام دانست. خداوند متعال در آیه ی ۳۳ سوره ی مبارکه ی مائده نیز به مجازات صلب اشاره نموده است و منظور از صلب در این آیات، مجازات کسانی می باشد که در زمین، فساد می کنند و دیگران را می کشند. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴).

### ۳-۳- قطع دست راست و پای چپ

قطع در لغت به معنای بریدن و جدا کردن می باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷). قطع دست راست و پای چپ در مجازات محاربه، به عنوان یک مجازات در نظر گرفته شده است، یعنی هم دست راست و هم پای چپ توأم با یکدیگر و در روز اجرای مجازات قطع می شوند. برخلاف حد سرقت که در آن، مجازات سارق در مرتبه ی اول قطع دست راست است و چنانچه مجدداً آن شخص دست به سرقت بزند، برای مرتبه ی دوم پای چپش را به عنوان مجازات قطع می نمایند. به عبارت صحیح تر مجازات های محاربه تخییری و مجازات های سرقت حدی ترتیبی می باشند. به نظر نگارندگان این پژوهش، به نظر می رسد دو فلسفه برای قطع دست راست و پای چپ محارب وجود دارد. اول اینکه، معمولاً اکثر افراد راست دست می باشند و به نوعی با قطع ید، امکان مجدد ارتکاب جرم محاربه از مجرم سلب می شود. دوم اینکه، علاوه بر اثر بازدارندگی این مجازات برای شخص مجرم و دیگران و فارغ از عذاب جسمی، نوعی عذاب دائمی روحی نیز به جهت نقص عضو ایجاد شده برای مجرم را به همراه دارد.

### ۳-۴- نفی بلد

از میان مجازات های اربعه ی محاربه می توان بیان داشت، خفیف ترین مجازات برای شخص محارب که خداوند متعال در آیه ی ۳۳ سوره ی مبارکه ی مائده مقرر فرموده اند، نفی بلد می باشد. واژه ی نفی در لغت به معنای طرد و اخراج از محلی به محل دیگر می باشد. (طریحی، ۱۴۱۶). اغلب بزرگان و فقهای شیعه نیز نفی بلد را در همین معنای مذکور پذیرفته اند و به آن حکم نموده اند. برخی از فقها برای اثبات این امر، به روایتی از امام رضا علیه السلام استناد نموده اند که می فرماید: «محارب از شهری که مرتکب جرم شده است به شهر دیگر تبعید می شود و به مردم آن جا گفته می شود که او تبعیدی است. لذا رفت و

آمد با او نکنید و نیز با او خرید و فروش و ازدواج نکنید و او را طرف مشورت و وکالت قرار ندهید. پس به روش بالا برای مدت یک سال عمل می شود و اگر از آن شهر به شهر دیگر رفت، به مردم آنجا نیز همانطور نوشته می شود تا سال به پایان برسد. پس اگر به بلاد شرک بروید، با اهل آن جا بجنگید.» (نجفی، ۱۴۰۴). که البته این امر به صراحت در ماده ی ۲۸۵ قانون مجازات اسلامی بیان گشته است. برخی دیگر از فقها، محلی را که شخص محارب به آن جا تبعید می گردد را دارالکفر می نامند و می گویند: «بزرگان امامیه روایت کرده اند که به او در هیچ جا، اجازه ی سکونت داده نمی شود و به طور کلی از سرزمین اسلام تبعید می شود.» (طوسی، ۱۴۱۶).

#### ۴- ترهیبی یا ترذیلی بودن مجازات های محاربه

با توجه به تعاریف پیش گفته شده می توان این مطلب ضروری را بیان نمود، که اگر بنا بر این باشد که صرفاً یک هدف و فلسفه ی خاص برای مجازات ها و به طور مشخص مجازات های محاربه در نظر بگیریم، در حقیقت کوتاهی و غفلت صورت گرفته است. به عبارتی به عنوان مثال در خصوص عوامل ارتکاب جرم در مجرم، برخی از جرم شناسان، جامعه و برخی دیگر خانواده و برخی نیز توجیه جرایم توسط بزهکار و امثالهم را دخیل در ارتکاب جرم می دانند، که به نظر می رسد نمی توان صرفاً یک عامل را علت قطعی ارتکاب جرم دانست و طبیعتاً عوامل متعددی در این زمینه نقش دارند. در خصوص فلسفه ی مجازات ها نیز نمی توان به تنهایی بیان داشت که همه ی مجازات های موجود که البته برگرفته از اسلام می باشد، مبنای ترهیبی، ترذیلی و یا بازدارندگی و غیره دارد. به عبارتی هر نوع از مجازات ها با توجه به ذات خود، فلسفه ای متمایز از دیگر مجازات ها دارد. به عنوان مثال در خصوص مجازات اعدام در محاربه، می توان بیان داشت، که نوعی قطع امید از بازگشت محارب به جامعه و اصلاح او وجود دارد که به نظر می رسد تنها با اعدام می توان عدالت را نسبت به جامعه و مردم اجرا نمود، فلذا فلسفه ی مجازات اعدام، در کنار بُعد ترذیلی بودن که قطعاً در مجازات اعدام دیده می شود، اجرای عدالت نیز می باشد. از سوی دیگر در خصوص صلب که یکی دیگر از مجازات های محاربه می باشد، شاید بتوان فلسفه اش را ترهیب دانست، که همان مجازات بدنی همراه با ترس و رنج می باشد که شخص مصلوب در طی سه روز متحمل می شود که این مجازات نیز با خود استخفاف را به همراه دارد و از سوی دیگر در قطع دست راست و پای چپ نیز نوعی بازدارندگی همراه با ترذیل در آن مشهود می باشد. به عبارتی دادگاه با تعیین مجازات قطع عضو، در حقیقت به دنبال رسوا کنندگی و همچنین بازدارندگی از

تکرار جرم می باشد. همچنین تبعید نیز به عنوان خفیف ترین مجازات ها در بین سایر مجازات های محاربه نیز، فلسفه ای جدای از دیگر مجازات ها دارد و به نظر می رسد وقتی حکم به تبعید داده می شود، نشانی از ترهیب وجود ندارد چرا که ترس و رنج جسمانی ای بر محارب اعمال نمی شود. شاید بتوان هدف از تبعید را واداشتن محارب به فکر و متنبه کردن وی با محدودیت در آزادی و همچنین حفظ نظم و انسجام جامعه دانست.

#### ۵- نتیجه گیری

نتیجتاً می توان بیان نمود، وقتی مقنن به تبعیت از شارع مقدس که در آیه ی ۳۳ سوره مبارکه ی مائده، مجازات های محاربه را از نوع تخییری قرار داده، این قاضی دادگاه است که با توجه به اختیاری که دارد، متناسب با کیفیت جرم محاربه ی صورت گرفته، یکی از مجازات ها را برای محارب تعیین می نماید. در نهایت باید بیان داشت به نظر می رسد نمی توان تنها یکی از فلسفه های مجازات را، برای همگی مجازات ها به خصوص مجازات های محاربه در نظر گرفت و از سوی دیگر تمامی مجازات های محاربه علاوه بر فلسفه ی برجسته ای که دارند، دارای اثر تردیلی و رسواکنندگی نیز می باشند لکن این اثر در برخی از مجازات ها شدید تر و در برخی دیگر از مجازات ها خفیف تر است و به این صورت نیست که بین مجازات های اربعه ی محاربه مجازاتی فاقد فلسفه و بُعد تردیلی باشد که البته در همه ی مجازات های جرایم حدی این امر صادق است.



## منابع

- ابن منظور، محمد بن مكرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، چاپ سوم، دار الاحياء، بيروت.
- ابوالحسنی، رحیم، ۱۳۸۰، اجرای علنی مجازات ها از دیدگاه اسلام، شماره ۶، مجله رواق اندیشه.
- بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازاتها، ۱۳۶۷، ترجمه دکتر محمد علی اردبیلی، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۶۳، مبسوط در ترمینولوژی حقوقی، چاپ دوم، تهران، گنج دانش.
- حسینی ورد جانی، حسین، ۱۳۸۳، اجرای حدود در اسلام، مرکز پژوهشهای صدا و سیما.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۳۸، لغت نامه، چاپ دوم، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴، المفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر الکاتب.
- زان پرادل، تاریخ اندیشه های کیفری، ۱۳۷۳، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، با همکاری موسسه نشر یلدا.
- سمیعی، حسین، ۱۳۲۵، حقوق جزا، تهران، چاپخانه مجلس.
- صالح، علی پاشا، ۱۳۴۸، مباحثی از تاریخ حقوق، چاپ چهارم، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- صاعی، پرویز، ۱۳۵۴، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۶ ق، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، چاپ سوم، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، ۱۴۱۶ ق، المبسوط فی فقه الامامیه، چاپ نهم، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عمید، حسن، ۱۳۷۹، فرهنگ فارسی عمید، چاپ هجدهم، تهران، نشر امیرکبیر.
- موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۹۰، تحریر الوسیله، چاپ هشتم، قم، موسسه مطبوعاتی دارالعلم.
- نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴ ق، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، قم، موسسه مطبوعاتی دارالعلم.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۳۷۶، حکم بی حس کردن اعضا هنگام اجرای کیفر های جسمانی، شماره ۱۵، فصلنامه ی تخصصی فقه اهل بیت.